



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

بررسی مفردات قرآن کریم در مجمع البیان

از اول سوره نساء تا آیه ۴۰

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین سید حمید جزائری

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین عبد العباس حیاتی

دانش پژوه:

محمد حسین لطفی

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۶۰۹

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء:

تقديم به هاديان و مفسران حقيقي قرآن كريم به ويژه به بزرگ
بانوي عالم هستي حضرت زهرا سلام الله عليها، اولين مدافع
ولايت و امامت.

تقدیر و شکر

حمد و ثنای خدائی را که ما را از نیستی به هستی آورد و تمام نعمتهای خود را بر ما بدون هیچ منتی ارزانی داشت و صلوات و درود بی پایان خداوند بر پیامبر ﷺ و اهل بیت طاهرین او که هادیان حقیقی خلق اند. خداوند منان را شاکرم که به این جانب توفیق داد قدمی هر چند کوچک در راه گسترش علوم و معارف قرآنی بردارم و امیدوارم که این، مقدمه‌ی قدمهای بعدی باشد و بتوانم در راستای نشر علوم قرآن و اهل بیت قدمهای مؤثرتری بردارم، لذا اینجانب از مسئولین مرکز جهانی و امور پایان نامه کمال تقدیر و تشکر را دارم که برای ما زمینه چنین خدماتی را فراهم نمودند.

تا بتوانیم استعدادهای بالقوه را به فعلیت برسانیم و در این راستا از استاد راهنما جناب حجة الاسلام استاد جزائری کمال تشکر را دارم که بنده با کمک‌های خالصانه ایشان توانسم این پایان نامه را بنویسم و همچنین از استاد مشاورم جناب حجة الاسلام استاد حیاتی و سایر اساتیدی که در این زمینه به بنده کمک نموده‌اند کمال تقدیر و تشکر را دارم و از خداوند متعال توفیق همه را خواستارم.

چکیده:

رساله‌ای که در پیش رو دارید در مورد بررسی مفردات سوره نساء از آیه اول تا آیه چهل بر اساس تفسیر مجمع البیان می‌باشد.

این رساله مشتمل بر پنج فصل است.

فصل اول، کلیات، که شامل هدف از تحقیق، روش تحقیق، پیشینه تحقیق و تعریف علم مفردات می‌باشد. از فصل دوم تا فصل پنجم در باره واژه‌های مورد نظر بحث شده است که سیر کلی بحث به سبک زیر می‌باشد.

۱- ذکر آیه شریفه با ترجمه آن

۲- نکات مهم تفسیری آیه به خصوص نکات مربوط به واژه مورد بحث.

۳- بحث ریشه و ادبی واژه مورد بحث.

۴- معنای لغوی واژه مورد نظر با استناد به معتبرترین کتب لغوی.

۵- موارد استعمال واژه و مشتقات آن در قرآن کریم، همراه با ذکر معانی آن.

۶- دیدگاه صاحب مجمع البیان در باره واژه مورد بحث.

۷- جمع بندی و نتیجه، که در این بخش، علاوه بر جمع بندی مطالب، معنایی که در دیگر

کتب معتبر تفسیری برای واژه مورد بحث ذکر شده بیان گردیده است و در آخر رساله برای

سهولت دستیابی به معانی واژه‌ها فهرست واژگان قرار داده شده است.

فهرست مطالب

| | |
|----|-------------------------|
| ۱۷ | فصل اول: کلیات |
| ۱ | هدف از تحقیق: |
| ۱ | محور تحقیق: |
| ۲ | معرفی مجمع البیان: |
| ۴ | معرفی سوره نساء: |
| ۵ | روش تحقیق: |
| ۶ | پیشینه تحقیق: |
| ۸ | تعریف علم مفردات قرآن: |
| ۹ | فصل دوم: از آیه ۱ تا ۱۰ |
| ۱۰ | واژه اول: البث |
| ۱۳ | واژه دوم: رقیب |
| ۱۶ | واژه «الحُوب»: |
| ۲۰ | واژه الاقساط: |
| ۲۲ | واژه دوم: مثنی |
| ۲۴ | واژه سوم: ثلاث |
| ۲۶ | واژه چهارم: رباع |
| ۲۷ | واژه پنجم: عول |
| ۳۱ | واژه اول: الصّدّاق |
| ۳۵ | دومین لغت: النّحلة |
| ۳۸ | سومین لغت: الهنیئ |
| ۴۰ | چهارمین لغت: مَرِئاً |
| ۴۳ | واژه اول: الایناس |
| ۴۶ | دومین واژه: الإسراف |
| ۴۸ | واژه سوم: البدار |
| ۵۰ | چهارمین واژه: الحسیب |
| ۵۵ | واژه فرض: |

| | | |
|-----|-------|----------------------------|
| ٦٠ | | واژه ضعاف: (ض - ع - ف). |
| ٦٤ | | واژه دوم: سدید |
| ٦٧ | | واژه الصّلى: |
| ٧١ | | واژه دوم: سعیر |
| ٧٤ | | فصل سوم: از آیه ١١ تا ٢٠ |
| ٧٧ | | واژه اول: کلاله: |
| ٨٢ | | واژه دوم: الحدّ: |
| ٨٦ | | لغت سوم واژه: الفوز |
| ٩٠ | | واژه توبه: |
| ٩٣ | | واژه اعتدنا: |
| ٩٨ | | واژه اول: العضل |
| ١٠١ | | دومین لغت واژه: الفاحشه |
| ١٠٥ | | سومین لغت واژه: المعاشره |
| ١١١ | | واژه اول: القنطار: |
| ١١٣ | | دومین لغت: بهتان |
| ١١٧ | | فصل چهارم: از آیه ٢١ تا ٣٠ |
| ١١٩ | | واژه الافضاء: |
| ١٢٣ | | واژه النکاح: |
| ١٢٧ | | واژه اول: الرّباب: |
| ١٣٠ | | دومین واژه: الحلائل |
| ١٣٦ | | واژه اول: محصنات: |
| ١٤٠ | | واژه دوم: السّفاح |
| ١٤٤ | | واژه اول: الطّول: |
| ١٤٨ | | دومین واژه: الفتى |
| ١٥١ | | واژه سوم: الخدان: |
| ١٥٤ | | واژه چهارم: العنت: |
| ١٥٨ | | فصل پنجم: از آیه ٣١ تا ٤٠ |

| | |
|-----|----------------------|
| ۱۶۰ | واژه اول: الاجتناب: |
| ۱۶۵ | دومین واژه: التكفير |
| ۱۷۱ | واژه التَّمَنَّى: |
| ۱۷۷ | واژه اول: موالی: |
| ۱۸۳ | دومین واژه: الأیمان |
| ۱۸۹ | واژه اول: قوام |
| ۱۹۴ | واژه دوم: قنوت |
| ۱۹۷ | سومین واژه: نشوز |
| ۲۰۰ | چهارمین واژه: الهجر |
| ۲۰۳ | پنجمین واژه: المضاجع |
| ۲۰۶ | ششمین واژه: بغیه |
| ۲۱۲ | واژه اول: الشَّقَاق: |
| ۲۱۶ | دومین واژه: توفیق |
| ۲۲۰ | واژه اول: الجار: |
| ۲۲۳ | دومین واژه: الجنب |
| ۲۲۵ | سومین واژه: مختال |
| ۲۲۹ | چهارمین واژه: الفخور |
| ۲۳۴ | واژه البخل: |
| ۲۳۸ | واژه القرین: |
| ۲۴۲ | واژه اول: الظلم: |
| ۲۴۶ | دومین واژه: مثقال |
| ۲۵۱ | فهرست واژگان |
| ۲۵۵ | فهرست منابع |

فصل اول

کلیات

هدف از تحقیق:

خداوند بر بندگانش منت نهاده و رسولی از میان خودشان مبعوث نموده و قرآن را بر او نازل کرد تا موجب هدایت جهانیان شود، و به مردم نیز امر فرمود که در آن تدبیر کنند و از آنجا که تدبیر در قرآن نیاز به مقدماتی دارد و از جمله آنها فهم واژه‌های قرآن می‌باشد. لذا تصمیم گرفتم بخشی از واژه‌های سوره نساء را بر اساس کتاب شریف مجمع البیان تا آنجا که وسع علمی بنده اجازه می‌دهد مورد بررسی قرار دهم. و از آنجا که تاکنون کمتر مفردات قرآن را به این سبک مورد بررسی قرار گرفته است، ضرورت چنین کاری بیشتر احساس می‌شود.

محور تحقیق:

محور این تحقیق، کتاب ارزشمند مجمع البیان تألیف مرحوم امین الاسلام ابی علی الفضل بن الحسن طبرسی، در محدوده آیه اول تا چهارم سوره نساء می‌باشد. امین الاسلام طبرسی، از یک خاندان بزرگ روحانی و علمی بوده است و اصالة اهل تفرش بوده که به خراسان هجرت کرده است و کلمه طبرسی در اصل همان تفرش است. این دانشمند، ساکن مشهد بوده و در اواخر عمر راهی سبزوار شده و در سنه در سبزوار فوت کرده و جنازه او را به مشهد مقدس حمل و در محل کنونی دفن کرده‌اند. به گفته معاصر او بیهقی، در کتاب تاریخ بیهقی: کار عمده این دانشمند، تلخیص و تحریر

کتب دیگران بوده است. کتاب مجمع البیان بنا به تصریح خود او در مقدمه کتاب، تحریری است نواز تفسیر تبیان شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هـ)، کما این که کتاب المؤلف من المختلف بین ائمة السلف در فقه تطبیقی یا مسائل الخلاف نیز تحریری است از کتاب مسائل الخلاف شیخ طوسی.

وی در عصر خود در علوم متنوع زمان خود مانند تفسیر، فقه، کلام سیره و تاریخ ائمه شهرت داشته و در همه این موضوعات کتاب یا کتابهایی نوشته است.

چنان چه از کتب او بخصوص دو تفسیر موجود او مجمع البیان و جوامع الجامع به دستمی آید، او در ادب و لغت عرب استاد و صاحب نظر بوده، و عبارت عربی را در نهایت و فصاحت، در عین اختصار می نوشته و به لطائف ادبی علاقه خاصی داشته است. همین نکته سنجی و لطیفه جویی، او را به نوشتن الکافی الشافی که لطائف ادبی تفسیر کشف علامه زمخشری (م ۵۳۸ هـ) را در بر دارد و داشته است، لطائفی که تفسیر مجمع البیان خود او از آنها خالی بوده است.

در ترجمه احوال طبرسی نوشته اند که او دارای سه تفسیر بوده است: کبیر، صغیر، اوسط. تفسیر کبیر مجمع البیان و صغیر الکافی الشافی و اوسط جوامع الجامع می باشد.^۱

مجمع البیان: صاحب مجمع البیان پس از خطبه مفصل مشتمل بر حمد و ثنای الهی و بیان عظمت علم و بویژه علم قران و نیز سبب تألیف مجمع البیان مقدماتی را که مشتمل بر هفت فن است ذکر می کند و دانستن آنها را برای ورود در شناسائی قران لازم می داند و آن

۱. ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، بخش مقدمه.

فنون از این قرارند:

فن اول: در تعداد آیات قران و فائده شناختن آنچه اهل کوفه در شمارش آیات بیان کرده‌اند صحیح‌تر از آن است که دیگران گفته‌اند، زیرا آنان از امیرالمؤمنین علی بن طالب علیه السلام گرفته‌اند.

فن دوم: در اسامی قراء مشهور در شهرها و راویان آنها

فن سوم: در بیان اجمال و خلاصه‌ای از معنای تفسیر و تأویل که در این کتاب سخن بدانها کشانده می‌شود. تفسیر، روشن کردن مراد از لفظ و تأویل بازگرداندن یکی از دو احتمالات است و آنچه مطابق ظاهر باشد. بعضی‌ها گفته‌اند: ماده کلمه تفسیر (فسر) کنار زدن پرده هست و تأویل پایان و عاقبت و بازگشت هر امری است. از رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیه و از جانشینان آن حضرت رسیده است که تفسیر قران جز با آثار و روایات صحیحه جائز نیست.

فن چهارم: در بیان اسامی قران، معانی آن ۱ قران ۲ کتاب ۳ فرقان ۴ ذکر

فن پنجم: بیان مختصری از علوم قران که شرح و تفصیل آنها در کتابهای دیگر دیده می‌شود - یکی از آنها مسئله معجزه و خارق عادت بودن قران هست که دلیل بر صدق رسول اکرم در ادعای نبوتش می‌باشد بحث دیگر مسئله تحریف قران هست و بحث دیگر ناسخ و منسوخ هست.

فن ششم: اخبار فضیلت قران و اهل آن

فن هفتم: در ذکر آنچه برای خواننده قران مستحب است ابن عازب می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود قران را زینت دهید با صدای خودتان.

روش ایشان در این کتاب: ایشان در ابتداء قرائت‌های مختلف را بیان می‌کند. سپس دلیل آنرا

با عنوان (الحجة) ذکر می‌کند در مرحله بعدی لغتهای مورد نظر خودش را با عنوان «اللغة» تجزیه و تحلیل می‌کند و بعد معنای آیه را بیان می‌کند و بحث اعراب را نیز بعد از بحث قرائت مطرح می‌نماید.^۱

سوره نساء:

تمام آیات این سوره (به استثنای آیه ۵۸ طبق نقل بعضی از مفسران) در مدینه نازل شده است و از نظر ترتیب نزول بعد از سوره «ممتحنه» قرار دارد. زیرا می‌دانیم ترتیب کنونی سوره‌های قرآن مطابق ترتیب نزول سوره هانیست.

این سوره از نظر تعداد کلمات و حروف، طولانی‌ترین سوره‌های قرآن بعد از سوره البقره است و دارای ۱۷۷ آیه میباشد و نظر به اینکه بحثهای فراوانی در مورد احکام و حقوق زنان در آن طرح شده به سوره «نساء» نامیده شده است.

بطور کلی بحث‌های مختلفی که در این سوره می‌خوانیم عبارتند از:

- ۱) دعوت به ایمان و عدالت و قطع رابطه دوستانه با دشمنان سرسخت.
- ۲) قسمتی از سرگذشت پیشینیان برای آشنائی هر چه بیشتر به سرنوشت جامعه‌های ناسالم.

۳) حمایت از کسانی که نیازمند به کمک هستند، مانند یتیمان، و دستورهای لازم برای

نگهداری و مراقبت از حقوق آنها

۴) قانون ارت بر اساس یک روش طبیعی و عادلانه در برابر شکل بسیار زننده‌ای که در

آن زمان داشت.

۱. مقدمه کتاب - ترجمه تفسیر مجمع البیان ج ۱ ص ۱۵.

- (۵) قوانین مربوط به ازدواج و برنامه هائی برای حفظ عفت عمومی
- (۶) قوانین کلی برای حفظ اموال عمومی
- (۷) کنترل و نگهداری و بهسازی نخستین واحد اجتماع یعنی خانواده
- (۸) حقوق و وظایف متقابل افراد جامعه در برابر یکدیگر
- (۹) معرفی دشمنان جامعه اسلامی و بیدار باش به مسلمانان در برابر آنها.
- (۱۰) حکومت اسلامی و لزوم اطاعت از رهبر چنین حکومتی
- (۱۱) تشویق مسلمانان به مبارزه با دشمنان شناخته شده
- (۱۲) معرفی دشمنانی که احیاناً فعالیت‌های زیر زمینی داشتند
- (۱۳) اهمیت هجرت و لزوم آن به هنگام روبرو شدن با یک جامعه فاسد و غیر قابل نفوذ
- (۱۴) مجدداً بحث هائی درباره ارث و لزوم تقسیم ثروت‌های متراکم شده در میان و ارثان^۱

روش تحقیق

در این رساله برای تبیین بهتر موضوع و رسیدن به نتیجه، در ذیل هر آیه مبارکه مراحل زیر طی شده است.

- (۱) ترجمه آیه که براساس ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند است.
- (۲) نکات مهم تفسیری، و سعی شده است برخی نکات مرتبط با واژه‌ها و مفردات ذکر شود.
- (۳) ریشه و بحث ادبی واژه: در این قسمت ریشه واژه مورد نظر با استناد به معاجم لغوی

۱. تفسیر نمونه ج ۳ ص ۲۴۱.

فاطمه سلور رازی

کهن از جمله معجم مقائیس اللغه ابن فارس بیان شده است و همچنین مباحث صرفی و اعراب آن با استناد به کتابهایی چون اعراب القرآن مصطفی درویش و الجدول فی اعراب القرآن محمود صافی بیان شده است.

(۴) معنای لغوی واژه: در این قسمت معنای واژه مورد نظر بر اساس معتبرترین کتب لغت مانند کتاب العین، لسان العرب، معجم مقایس اللغه و فرهنگ واژگان قرآن مانند مفردات راغب، مصباح المنیر و قاموس قرآن، تبیین شده است.

(۵) موارد استعمال این واژه در قرآن مجید: در این قسمت بیان شده است که این واژه و کلمات هم خانواده آن چند بار در قرآن آمده و به چه معنا استعمال شده است.

(۶) دیدگاه صاحب مجمع البیان: در این قسمت نظر صاحب مجمع البیان را درباره این واژه با استناد به ترجمه تفسیر مجمع البیان، ذکر شده است.

(۷) جمع بندی و نتیجه: در این قسمت خلاصه‌ای از آنچه که از کتب لغت استفاده می‌شده ذکر شده و آن معنایی که در آیه مورد نظر می‌باشد مطرح شده و احیانا مورد نقد و بررسی واقع شده است.

پیشینه تحقیق:

در کتابهای رجال مانند معجم الادباء و تاریخ بغداد و فهرست ابن ندیم و اعلام زرکشی و... آمده است که قدیمی‌ترین سند از فرهنگ یا واژه نامه قرآنی، مجموعه پاسخ‌های ابن عباس است که از دو طریق از او روایت شده است، یکی از طریق نافع ابن ازرق، دیگری از طریق ابن ابی طلحه و در ذیل به تعدادی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در زمینه مفردات قرآن تا قرن پنجم نگارش یافته اشاره می‌شود.

(۱) ابان ابن تغلب متوفای ۱۴۱ قمری، از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام،

صاحب کتاب معانی القرآن و غریب القرآن، نخستین فردی که به تألیف و تدوین کتاب و بررسی واژه‌های قرآن اقدام نموده است.

(۲) ابو عمر بن علاء متوفای ۱۵۴ قمری، عالم معروف قرن دوم، گرچه در این مورد کتابی ندارد ولی نقل قولهایی از او در آثار علمی و ادبی و قرآنی وجود دارد.

(۳) علی ابن حمزه کسائی، متوفای ۱۸۹ قمری از نحوین معروف و از قراء سبعة و صاحب کتاب معانی القرآن

(۴) فراء ابو زکریا دیلمی، استاد در لغت، متوفای ۲۰۷ قمری، صاحب کتاب معانی القرآن می‌باشد، گرچه او در طب و نجوم هم مهارت داشته، ولی کتاب معانی القرآن او معروف‌ترین آثار او است.

(۵) ابو زید انصاری، متوفای ۲۱۵ قمری مؤلف کتاب النّوادر فی اللّغة.

(۶) ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، در لغت و نحو، متوفای ۲۷۶ قمری صاحب کتاب غریب القرآن، تأویل مشکل القرآن و معانی القرآن.

(۷) ابو اسحاق زجاج، شاگرد مبزّد، متوفای ۳۱۱ قمری صاحب کتاب اعراب القرآن، معانی القرآن و ... می‌باشد.

(۸) ابو جعفر نحاس، محمد بن اسماعیل، متوفای ۳۳۸ قمری، صاحب کتاب اعراب القرآن، معانی القرآن و ناسخ و منسوخ قرآن.

(۹) ابو منصور ازهری، لغوی، صاحب کتاب تهذیب اللّغة، متوفای ۳۷۰ قمری

(۱۰) ابن فارس، متوفای ۳۹۵ قمری، صاحب معجم مقائیس اللّغة که در ریشه‌شناسی لغت استاد بوده است.

(۱۱) ابن عبید الهروی، احمد بن محمد، متوفای ۴۰۱ قمری و صاحب کتاب الغریبین



تعریف علم مفردات قرآن:

علم مفردات یا واژه‌شناسی قرآن دانشی است که درباره تک واژه‌های قرآنی از نظر ریشه، اشتقاق لغوی، دلالت بر معنای مطلوب و مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می‌کند.^۱

اشتقاق، گرفتن یک لفظ از لفظ دیگری است ولی به این شرط که بین این دو لفظ از نظر معنا و ماده مناسبتی باشد و از نظر صیغه باهم مغایرت داشته باشد مثل اشتقاق کلمه «کاتب» از «کتب» و «مطبعه» از «طبع».

اهل بصره و کوفه در این که اصل در اشتقاق چیست اختلاف دارند اهل بصره می‌گویند اصل مصدر است ولی اهل کوفه می‌گویند اصل فعل است و مصدر از آن اشتقاق یافته و هر کدام برای مدعای خودشان دلیل‌هایی اقامه نموده‌اند که فقط به ذکر یک دلیل از هر کدام اکتفا می‌شود.

دلیل بصریون آن است که مصدر فقط بر یک چیز دلالت می‌کند که عبارت است از حدث ولی فعل بر دو چیز «حدث و زمان» دلالت می‌کند و چنانچه واحد برای اثنین اصل است همچنین مصدر اصل برای فعل است. دلیل کوفیون آن است که فعل در مصدر عمل می‌کند مثل «ضربت ضرباً» و چون رتبه عامل قبل از رتبه معمول است لازم است که مصدر فرع فعل باشد.

اشتقاق بر چهار قسم می‌باشد: الف) اشتقاق اصغر یا صغیر یا عام: یک لفظ از لفظ دیگر گرفتن به این شرط که این دو در معنا و حروف اصلی و ترتیب حروف مشترک باشند مثل اشتقاق اسم فاعل «ضارب» و اسم مفعول «مضروب» و فعل «تضارب» و غیره از «الضرب» بنا بر قول بصریها یا از «ضرب» بنا بر قول کوفیها و این نوع اشتقاق در لغت عرب از دیگر انواع اشتقاق بیشتر یافت می‌شود.

ب) اشتقاق اکبر، یا ابدال لغوی: قرار گرفتن حرفی در جای حرف دیگر در کلمه مثل «طَن و دَن، نَعق و نهق، اسراط و الصراط» و این خودش دو قسم است صرفی و لغوی.

ج) اشتقاق کبیر، یا قلب لغوی: و این اشتقاق بین دو کلمه می‌باشد که یکی اصل و دیگری فرع که فقط در لفظ و معنا تناسب دارند ولی در ترتیب حروف تناسب ندارد مثل «جذب و جید، حمد و مدح، اضمحل



و امضحل».

د) اشتقاق کبار یا تراشیدن «ساختن»: از دو کلمه یا بیشتر یک کلمه جدیدی گرفته شود که بر معنای کلمه
متنوع منه دلالت می‌کند و این کلمه یا اسم است مثل بسمله که از «بسم الله»
گرفته شده و یا فعل است مثل «حمدل» که از «الحمد لله» گرفته شده است^۱

۰۵

فصل دوم

از آیه اقا ۱۰

یا ایها: الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالا کثیرا و نساءً و اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام انّ الله علیکم رقیبا.^۱

ترجمه: ای مردم، از پروردگارتان که شما را از [نفس واحدی] آفریده و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را پراکنده کرد، پروا دارید؛ و از خدایی که به [نام] او از همدیگر در خواست می‌کنید پروا نمایید؛ و زنهار از خویشاوندان مبرید، که خدا همواره بر شما نگهبان است.^۲

نکات مهم تفسیری

- ۱) خداوند گسترش دهنده مردان و زنان بسیار (نسل بشر) از یک زن و مرد (آدم و حواء) است. خلقکم من نفس واحدة.. و بثّ منها رجالا کثیرا.
- ۲) ازدواج فرزندان بلافصل آدم و حواء با یکدیگر و بثّ منهما رجالا کثیرا
- ۳) هدف از فرمان الهی به رعایت تقوا، تربیت انسانهاست. اتقوا ربکم. آوردن کلمه رب (تربیت کننده و مدیر)
- ۴) در خلقت امتیازی نیست و آدمیان از شخص واحد آفریده شده‌اند.^۳

واژه‌ها: در آیه اول، صاحب مجمع البیان (رحمة الله علیه) دو واژه را ذکر نموده است. که عبارتند از: (۱) البثّ، (۲) رقیب،

۱. نساء، ۱

۲. ترجمه فولادوند.

۳. تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۲۷۵، مؤلف، اکبر هاشمی رفسنجانی، مرکز انتشارات: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نوبت چاپ، دوم، تابستان ۱۳۷۶.